

پرسش هایی درباره قرارداد ۲۵ ساله همکاری اقتصادی ایران و چین

وزیر امور خارجه چین شنبه هفتم فروردین ۱۴۰۰ با حضور در تهران، قرارداد ۲۵ ساله همکاری اقتصادی، فنی و تکنولوژی به مبلغ ۴۵۰ میلیارد دلار بین ایران و چین امضا کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سید جمشید اوشال در یادداشتی نوشت:

وزیر امور خارجه چین شنبه هفتم فروردین ۱۴۰۰ با حضور در تهران، قرارداد ۲۵ ساله همکاری اقتصادی، فنی و تکنولوژی به مبلغ ۴۵۰ میلیارد دلار بین ایران و چین امضا کرد.

دقیقا از متن و محتوای این قرارداد اطلاعی ندارم. چیزهایی هم در خبرها و فضای مجازی خواندم که ظاهرا بد نیست اما باید عمیق تر شد تا حقیقت موضوع را فهمید و نسبت به اصل موضوع به درستی موضع گرفت .

ریشه های این قرار بازمی گردد به سفر چند سال قبل رییس جمهور چین و دیدار با مقام معظم رهبری و طرح این موضوع و پیگیری های آن توسط وزارت خارجه و سایر نهادهای تصمیم ساز تا اینکه جناب آقای دکتر علی لاریجانی از سال گذشته مامور به نتیجه رساندن این توافق میشوند و این توافق ۳۵ ساله امروز امضا شد و مطابق قانون حتما باید در مجلس و با شورای عالی امنیت ملی تایید و نهایی و قابلیت اجرایی پیدا کند .

سؤالات زیادی وجود دارد که در قبال این همه سازندگی که بر روی کاغذ آمده و باید در موردش و در مورد عملکرد چین در سایر توافقات و سایر کشورها راستی آزمایی شود، آیا این قرارداد به نفع ایران است یا اینکه برای فرار از برجام با عجله میپریم به دامان چین و برجام چینی امضا می کنیم. آیا مسئولین امر میتوانند پاسخ بدهند و آیا به تمام جوانب امر در این قرارداد فکر شده است ؟

چند سوال درباره قرارداد

میخواهم قبل از ورود به طرح سؤالات با این مقدمه شروع کنم:

از حدود بیست سال قبل چین برای توسعه اقتصادی و سیاسی و نظامی خود در منطقه اقیانوس هند و در اجرای طرح زنجیره مروارید، در تعدادی از بنادر کشورهای در اطراف اقیانوس هند (میانمار - بنگلادش - سریلانکا - مالدیو - تانزانیا - سودان - پاکستان) سرمایه گذاری نموده و برای اهداف خودش آنها را ساخته و یا نوسازی کرده و بدنبال مقابله با حضور نظامی آمریکا و انگلیس در اقیانوس هند و در پوشش حضور اقتصادی در منطقه اقدام به حضور و رقابت و موازنه نظامی نموده.

در این میان هند احتمالا در محاصره اقتصادی چین قرار خواهد گرفت و برای برون رفت و به نیابت از غرب شدیداً بدنبال حفظ منافع خود در جنوب آسیا و کشورهای شرق آفریقا است.

در کنار این برنامه بک قرارداد استراتژی بین چین و پاکستان (خط اقتصادی چین - پاکستان) به مبلغ حدود ۵۰ میلیارد دلار امضا شد و چین برای خروج انرژی اقتصادی غرب کشورش و توسعه مناطق غربی چین اقدام به برنامه ریزی جامعه برای اتصال غرب کشورش به شمال اقیانوس هند نمود و خط ترانزیتی بازرگانی کاشغر (غرب چین) به گوادر (جنوب غرب پاکستان) را احداث و عملاً در این مسیر حضور یافت و با احداث بزرگراه ها و راه آهن ونیروگاه ها قرار آیت بندر گوادر در جنوب غربی پاکستان را تجهیز و آماده نماید ضمن اینکه طبق قرارداد به مقدار ۸ کیلومتر از بندر گوادر پاکستان را مالک شد.

از طرف دیگر شهر بندری گوادر به مساحت حدود ۳۵۰ کیلومتر مربع قرار است با سرمایه گذاری و حضور اقتصادی امارات و عربستان در کنار این بندر چینی احداث شود.

هدف و تمرکز چین در این برنامه حضور قدرتمند در خاورمیانه است و طاهرا و اولویت و تمرکز اصلی در خاورمیانه چین، ایران نیست بلکه عراق است و به همین دلیل در حال ساختن و تجهیز بندر ام تقصیر به بهترین شکل و امکان است و در آینده نزدیک نقطه اتصال چین به خاورمیانه بندر گوادر پاکستان و مرکز این بازار کشور عراق است.

با این پیش فرض سؤال میکنم

۱- میدانیم چین شبیه به این قراردادها را با چند کشور بسته و حالا باید بررسی کرد چقدر چین به آن ها پایبند بوده و آیا آن کشورهایی که با چین قرارداد داشتند از نتایج قراردادهاشان با چین راضی بودند.

۲- ایران در این قرارداد ۲۵ ساله چه مقدار امتیاز از چین گرفته و چقدر منافع ملی ایران در این قرارداد دیده شده

۳- چین نیاز شدیدی به ذغال سنگ ایران در منطقه شرق ایران (بیش از یک میلیارد تن ذغال سنگ مرغوب در محدوده جنوب خراسان) و نفت ایران و همچنین مواد اولیه (خام فروشی) معادن فلزی ایران دارد و احتمال می‌رود به همین دلیل بندر (هاب نفتی) جاسک از یک طرف و از طرف دیگر خطوط لوله های انتقال آب به داخل کشور که اخیرا مطرح شده برای فعال سازی این معادن در ایران کشیده شده و در شرف احداث است . آیا در این قرارداد ایران با علم به این موضوع و نیاز های چین میتواند با حفظ استقلال منافع ملی خودش را کسب و از آنها به بهترین شکل و امکان‌کیل و حفاظت نماید

۴- در این قرارداد آیا ایران استقلال دارد یا اینکه به نام کار مشترک یکی از ده ها مستعمرات چین میشود و اگر اینگونه باشد پس فرق بین چین و آمریکا و روسیه و انگلیس در چیست ؟

۵- نفس و حقیقت درون قرارداد بسیار عالیهست یعنی سازندگی و بهره برداری و بهره وری از امکانات ایران و در نتیجه توسعه یافتگی ایران و توسعه قدرت و مولفه های قدرت ملی ایران ، اما آیا میشد و امکان‌میداشت که چین بجای اینگونه سرمایه گذاری که ظاهرا شبه استعماری است، به ایران وام و قرض میداد و پولش را در ۲۵ سال با بهره جهانی و بلکه بیشتر پس میگرفت اما در قالب مدیریت خودمان این اتفاق می افتاد تا به مراتب استقلال ما پس از ۲۵ سال محکمتر و قوی تر و کم نفوذ تر میشد

۶- ظاهرا چین توسط قرارداد در همه جا حضور دارد که شاید وحتما نیاز این قرارداد این است ، حالا و با این اوصاف شما تصور کنید ۲۵ سال چین تمامی امور زیربنایی و آموزش زیربنایی بخش های مهمی از کشور را به نام سرمایه گذاری و توسعه در قالب این قرارداد در دست خودش بگیرد و نخبگان نسل بعد کشور را برای خودش تربیت کند . آنوقت چه خواهد شد ؟

۷- آیا تربیت شدن چین که هنوز حزب ونفکر کمونیست حاکم بر آن است بهتر از تربیت شدگان غرب لیبرال خواهند بود ؟

۸- در اجرای این قرارداد ما چگونه میتوانیم کشور مستقل توسعه یافته بشویم و هژمونی قدرت اول منطقه غرب آسیا را در اختیار داشته باشیم .

۹- ظاهرا مقدمات امضای این قرارداد فراهم شده و حتما با نظر مثبت مجلس و بدون اطلاع مردم امضا میشود . چون کار ظاهرا ممکن است با عجله و شفاف نباشد پس باید مثل برجام منتظر عواقب این پنهان کاری بود . آیا این انتظار غلط است در پایان این یادداشت من نظرم خودم در مورد این قرارداد مینویسم:

من شخصا با این قرارداد و شبیه به این قرارداد ها بشرط تامین منافع ملی برای توسعه یافتگی و پیشرفت کشور و حفظ استقلال ملی و امنیت ملی و حفظ قدرت ملی ایران و حفظ قدرت اول ایران در منطقه غرب آسیا موافقم .

ما میتوانیم با امکانات و قدرت و جایگاهی که در منطقه و فرامنطقه وحتی جهان داریم شبیه پیمان اقتصادی - امنیتی شانگهای با محوریت ایران در منطقه غرب آسیا با حضور چین و روسیه و سایر کشورهای جهان را ایجاد کنیم و از منافع آن بهره ببریم

حال که این قرارداد امضا شده است، باید این موارد را ملاحظه کرد:

۱- حفظ منافع و مصالح و استقلال و امنیت ملی و منطقه ای ایران و غرب آسیا. ۲- تشکیل پیمان اقتصادی و شبه امنیتی با محوریت ایران در منطقه غرب آسیا

اگر امکان دارد در مورد هریک از سؤالات فکر کنید و نظر بدهید ممنون میشوم.